امکان‌سنجی فقهی– اقتصادی استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی: درس‌هایی برای اصلاح نظام قرض‌الحسنه در کشور

حسین میسمی[1]، محسن عبدالهی[2]، مهدی قائمی‌اصل[3]

دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

چکیده

این تحقیق الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می‌توانند به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت‌های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی– اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارایه شده در این تحقیق می‌تواند درس‌های مناسبی برای بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه در کشور به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: تأمین مالی خرد اسلامی، وقف، نظام تأمین مالی اسلامی، ایران، قرض‌الحسنه.

---

1. meisami@isu.ac.ir
2. m.abdolahy@isu.ac.ir
3. ghaemiasl@isu.ac.ir

۱. مقدمه

مروری بر آیات، روایات و منابع دینی در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که از بین بردن فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، از اهداف مهم نظام اسلامی و بالتّبع اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. از این رو، در جامعه اسلامی، لازم است تمامی روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم گردد که نظام اقتصادی بتواند در راستای تأمین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند. از طرف دیگر، نظام تأمین مالی اسلامی، به عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تأمین اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم‌توجه باشد. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت رفع فقر و تقویت عدل و احسان در جامعه از جمله اهداف اصلی نظام مالی اسلام است (صدیقی[1]، ۲۰۰٤؛ خان[2]، ۱۹۹۷). بنابراین لازم است بانکداری و تأمین مالی اسلامی به اهداف اجتماعی خود مانند رفع فقر و توانمندسازی گروه‌های پایین درآمدی توجه ویژه‌ای داشته باشد (چپرا[3]، ۱۹۸۵).

در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارایه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تأمین مالی خرد[4]» به وجود آمده است. هدف اصلی این نوع از تأمین مالی، ارایه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. به طور دقیق‌تر، می‌توان تأمین مالی خرد را به عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین، مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمانکاران خرد تعریف نمود. این افراد معمولاً به دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری[5] پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف، قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، به دلیل بالا بودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارایه وام‌های خرد، چالش وثیقه و احتمال بالای نکولی که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از ارایه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کالیم و احمد[6]، ۲۰۰۹، ص ۳).

1. Seddighi
2. Khan
3. Chapra
4. Micro Finance
5. Credit worthiness
6. Kaleem and Ahmed

از طرف دیگر این یک واقعیت است که تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در چند دهه اخیر رو به رشد بوده است. در واقع از زمانی که پروفسور محمد یونس و بانک گرامین جایزه صلح نوبل را به دلیل فعالیت در زمینه تأمین مالی خرد دریافت کردند، تجربه تأمین مالی خرد در بنگلادش و سایر کشورهای در حال توسعه، رشد چشمگیری پیدا کرده است. به عنوان نمونه بانک گرامین با رشد ۱۱۳/۵ درصدی وام‌هایش روبه‌رو گردیده و حجم وام‌های خرد ارایه شده توسط این مؤسسه از ۲۲۹/۱٤ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به ٤٤۸/٤۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است (احمد، ۲۰۰۷).

مسلماً مهم‌ترین چالش تأمین مالی خرد متعارف، که استفاده کامل از این تجربه در چارچوب اسلامی را با چالش مواجه می‌سازد، مسأله بهره است. در واقع مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع خود را بر اساس پرداخت و دریافت بهره انجام می‌دهند و به نظر می‌رسد که معمولاً درصد بهره دریافتی توسط این مؤسسات بالاتر از نرخ‌های بهره معمول در اقتصاد است. به عنوان نمونه برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که حتی در کشور بنگلادش که در زمینه تأمین مالی خرد پیشرو می‌باشد، اکثر مؤسسات نرخ بهره‌ای در حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد بر فقرا تحمیل می‌کنند (حسن و المگیر[1]، ۲۰۰۲؛ صادق[2]، ۲۰۰۷). برخی دیگر از تحقیقات نیز (ضمن بررسی تجربه تعدادی از مؤسسات تأمین مالی خرد) نشان می‌دهند که اگر علاوه بر نرخ‌های بهره‌ای که در تأمین مالی خرد متعارف به صورت صریح دریافت می‌شود، نرخ‌ها و هزینه‌های دریافتی به صورت غیرمستقیم نیز محاسبه گردد، آنگاه نرخ بهره‌ای که واقعا از فقرا دریافت می‌شود در حدود ۵۵ درصد می‌باشد که بسیار بیشتر از نرخ‌های بهره‌ای است که در بانک‌های متعارف از متقاضیان تسهیلات دریافت می‌گردد (منان[3]، ۲۰۰۷).

به نظر می‌رسد تجربه موفق تأمین مالی خرد، این ظرفیت را داشته باشد که در چارچوب بانکداری و تأمین مالی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این امکان وجود دارد که با انجام برخی اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز، از این تجربه در جهت کاهش فقر در کشورهای اسلامی بهره برد؛ هدفی که قطعا از اهداف اجتماعی نظام تأمین مالی اسلامی است. مسلماً یکی از مهم‌ترین

1. Hassan and Alamgir
2. Sadeq
3. Mannan

اصلاحات مورد نیاز جهت استفاده از تجربه تأمین مالی خرد متعارف که بر مبنای نرخ بهره انجام می‌شود، به کار بردن ابزارهای اسلامی (عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) و نهادهای موجود در جامعه اسلامی (صدقات، اوقاف، زکات، خمس، انفال و غیره) در تجهیز منابع برای مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی و به طور مشابه ابزارهای مالی اسلامی در تخصیص منابع جمع‌آوری شده است. گرچه می‌توان امکان (فقهی- اقتصادی) و نحوه استفاده از نهادهای مختلف اقتصاد اسلامی در تأمین مالی خرد را مورد توجه قرار داد، اما این تحقیق با توجه به محدودیت‌های موجود، تنها به بررسی یکی از این نهادها، یعنی وقف، پرداخته و مسائل مرتبط با آن را به طور مختصر مورد بحث قرار می‌دهد. در واقع ابتدا الگوی استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی را ارایه کرده و پس از آن به ارزیابی مزیّت‌های مورد انتظار از این الگو می‌پردازد.

۲- مفهوم وقف، سابقه تاریخی و شروط فقهی[۱]

وقف در لغت به معنی متوقف کردن و در اصطلاح فقهی به مفهوم حبس کردن اصل مال و آزاد گذاردن منفعت آن می‌باشد[۲] (شهید اول، ۱٤۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲). در قانون مدنی نیز وقف به این صورت تعریف شده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (قانون مدنی، ۱۳۸۵، ماده ۵۵). مقصود از حبس عین مال آن است که تصرف درآن به صورت بیع، هبه، رهن، اجاره و امثال آن ممنوع بوده و موقوفه به ارث نیز نمی‌رسد. اما منظور از آزاد گذاردن منافع آن است که منافع و ثمرات عین، صرف مواردی می‌شود که واقف تعیین کرده است.

گرچه واژه وقف به طور خاص در قرآن نیامده است، ولی در متون مذهبی از آن تعبیر به صدقه و صدقه جاریه شده است و لذا می‌توان تمامی آیاتی که در قرآن در رابطه با صدقه آمده است را به نحوی با مفهوم وقف مرتبط دانست. اصطلاح صدقه جاریه نیز تعبیری مناسب برای

---

۱. لازم به ذکر است مباحث متعدد تاریخی، فقهی و حقوقی در رابطه با نهاد اقتصادی وقف در اسلام قابل طرح است که با توجه به محدودیت‌ها و اهداف این تحقیق تنها به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه

وقف است. زیرا وقف از آن جهت که نوعی کمک مالی بدون عوض است، صدقه به حساب می‌آید و از آن جهت که منبعی دائمی بوده و نسل‌های متمادی از آن بهره می‌برند، مفهوم جاریه برآن قابل انطباق است. (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۵)

به نظر می‌رسد می‌توان تعریفی اقتصادی نیز برای وقف در نظر گرفت. تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر در کاربرد منابع، از مصرف نسل حاضر، به یک سرمایه‌گذاری مولد که خدمات و یا درآمدی برای مصرف نسل‌های آینده ایجاد می‌نماید، در نظر گرفت. از این رو توسعه وقف، به عنوان نهادی خصوصی (غیردولتی) در اقتصاد اسلامی، از یک طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف بوده و از طرف دیگر این پس‌اندازها می‌تواند در نهایت به سرمایه تبدیل شود. سرمایه‌ای که خود می‌تواند مولد کالاهای خصوصی و یا خدمات اجتماعی در حال و آینده بوده و در نتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم آورد. همچنین نهاد وقف به دلیل ماهیت خیّرانه‌ای که دارد، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه شده که خود منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد خواهدشد. (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۷)

به لحاظ تاریخی گرچه دقیقا معلوم نیست که در چه سالی قانون وقف در اسلام تشریع گردید، ولی اگر مساجد جزو موقوفات تلقی شود، اولین اقدام عملی پیامبر پس از مهاجرت به مدینه، ایجاد مسجد قبا و مسجدالنبی به عنوان پایگاهی برای عبادت، آموزش و زندگی بر اساس نهاد وقف بوده است[۱]. همچنین حضرت علی (ع) املاک متعددی داشت که آن‌ها را در زمان حیات خود وقف نموده بود. به طوری که در اواخر عمر، عواید سالانه اوقاف آن حضرت به ۲٤ هزار دینار می‌رسید. علاوه بر این نهاد وقف در تاریخ اسلام نیز سابقه درخشانی دارد (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۸۱).

در کشور ما نیز وقف دارای سابقه‌ای درخشان و طولانی مدت است. گرچه این نهاد در دوره‌های مختلف در اقتصاد کشور ما نقشی فعّال داشته است، اما دوران صفوی را می‌توان اوج

---

۱. لازم به ذکر است که وقف قبل از اسلام نیز دارای سابقه می‌باشد. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این رابطه می‌فرماید: «برای وقف، حقیقت شرعیه‌ای نیست (این مفهوم توسط شرع جعل نشده است)؛ بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمامی ادیان و شاید غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد» (امام خمینی، ۱٤۰۳، ج۱، ص۵۷۲).

توسعه و رشد اوقاف در ایران در نظر گرفت. به طوری که در پایان دوران صفوی، در شهرهای ایران، کمتر زمین زراعی و یا خانه مسکونی یافت می‌شد که تمام یا بخشی از آن وقف نبوده باشد (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۲). وقف درایران ابتدا به صورت زمین، باغ و ملک بود؛ ولی بعدها و به مرور زمان، علاوه بر املاک، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها، اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی همچون آسیاب‌ها، نانوایی‌ها، حمام‌های عمومی، قهوه خانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، کارگاه‌های بافندگی، کشتی‌های تجاری، کتاب و کتابخانه، پول نقد و مستمری‌های مقرر دولتی برای برخی از افراد نیز جزو موقوفات گردید. (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۸۷).

در گذشته و در تاریخ ایران، بسیاری از فعالیت‌های تولیدی توسط نهاد وقف انجام می‌گرفت و بسیاری از تأسیسات زیر بنائی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای احساس کنند، توسط مردم ساخته می‌شدند. در واقع وقف از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای مهم و فراوانی در زندگی روزانه مردم بوده است. یکی از این موارد مسأله آموزش رایگان بود، که اثرات فراوانی در جامعه داشت. امروزه یکی از عمده مواردی که مستقیم و غیر مستقیم بر تولید کالاها و خدمات مؤثر است، آموزش می‌باشد و هم اکنون در بسیاری از کشورها از جمله کشور خودمان عمده‌ترین هزینه‌های بخش عمومی هزینه‌هایی است که دولت برای تأمین سطوح مختلف آموزشی متحمّل می‌شود. در حالی که در گذشته این وظیفه از طریق وقف و بدون تحمیل هزینه‌ای بر دولت انجام می‌گرفته است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همه مدارس بنا شده در طول تاریخ اسلام به رغم تفاوت‌هایشان از لحاظ وسعت و امکانات، متکی بر وقف و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بوده است. (ساعاتی، ۱۳۷٤، ص ۳)

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که در گذشته، اوقاف نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید کالاها و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند و بسیاری از کالاهای عمومی و وظایفی که در دولت‌های مدرن توسط دولت انجام گرفته و هم اکنون یکی از چالش‌های دولت‌ها شده و با طرح مسائلی از قبیل تعدیل اقتصادی[1]، خصوصی‌سازی[2]، اندازه بهینه دولت[3]، برون‌سپاری[4] و از

1. Structural adjustment Policies
2.Privatization
3.Optimal Size of Government
4.Outsourcing

این قبیل، سعی در انجام آن‌ها به روش‌های غیردولتی دارند، در گذشته از طریق نهاد وقف در جوامع اسلامی انجام می‌شده است. (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۷)

در حال حاضر نیز موقوفات در کشور ما حجم عظیمی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد. موقوفات عظیم آستان قدس رضوی در شهرها و مناطق مختلف، تنها نمونه‌ای از حجم بالای وقف در کشور است. بر اساس اظهارنظر معاون سازمان اوقاف و امور خیریه، در حال حاضر، ارزش تقریبی دارایی‌های وقف شده در ایران حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و درآمد این موقوفات طبق آمار سال ۱۳۸۷ حدود ۸٤ میلیارد تومان است که نشان‌دهنده سوددهی یا درآمدزایی کم آن‌ها، معادل هشت ده‌هزارم است. (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۸/۱۲/۲٦، شماره ٦۰۷، ص ٦) علیرغم این ظرفیت بالا و همان طور که واقعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد، در حال حاضر وقف در کشور، دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و مؤثری که در تاریخ اسلام و ایران (به خصوص در برخی دوره‌ها) در جهت حل مشکلات اقتصادی به عهده داشت را ندارد. مسلماً یکی از دلایل مهم این واقعیت، اداره غیرعلمی و سنتی دارایی‌های وقف شده و استفاده نکردن از ظرفیت‌های بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تأمین اهداف اسلامی می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد لازم باشد از ویژگی انعطاف‌پذیری که در نهاد وقف وجود دارد استفاده شایانی نمود. به عبارت دیگر لازم است علاوه بر روش اجاره‌دهی سنتی و استفاده از درآمدهای حاصل از اجاره اموال وقفی در جهت تأمین اهداف واقفان، از روش‌های جدیدتری به منظورجمع‌آوری منابع وقف و همچنین تخصیص آن‌ها بهره برد. به نظر می‌رسد با ارایه تعریف وسیع‌تر ازاموال قابل وقف و همچنین اداره علمی و کارآمد اموال موقوفه، می‌توان موجبات تشویق خیرین و افراد نیکوکار به مشارکت در این سنّت پسندیده را فراهم آورد.

۳- الگوی تشکیل مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی

منظور از مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، مؤسسه‌ای است که بخش عمده‌ای از منابع خود را با استفاده از اموال وقفی تأمین می‌کند. به عبارت دیگر در بخش تجهیز منابع به طور عمده از نهاد وقف بهره می‌برد. در واقع همان‌طور که در نمودار شماره یک دیده می‌شود، مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی در بخش تجهیز منابع (بدهی‌ها) از ابزارها و نهادهای اسلامی و در بخش تخصیص منابع (دارایی‌ها) از ابزارهای اسلامی استفاده کرده و لذا در ابعاد مختلف از مؤسسات تأمین مالی

خرد بهره‌محور تفاوت پیدا کند. در ذیل به بررسی مختصر ویژگی‌های مؤسسه تأمین مالی مذکور در دو حوزه تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازیم.

نمودار شماره (۱): فرآیند تجهیز و تخصیص منابع در مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی

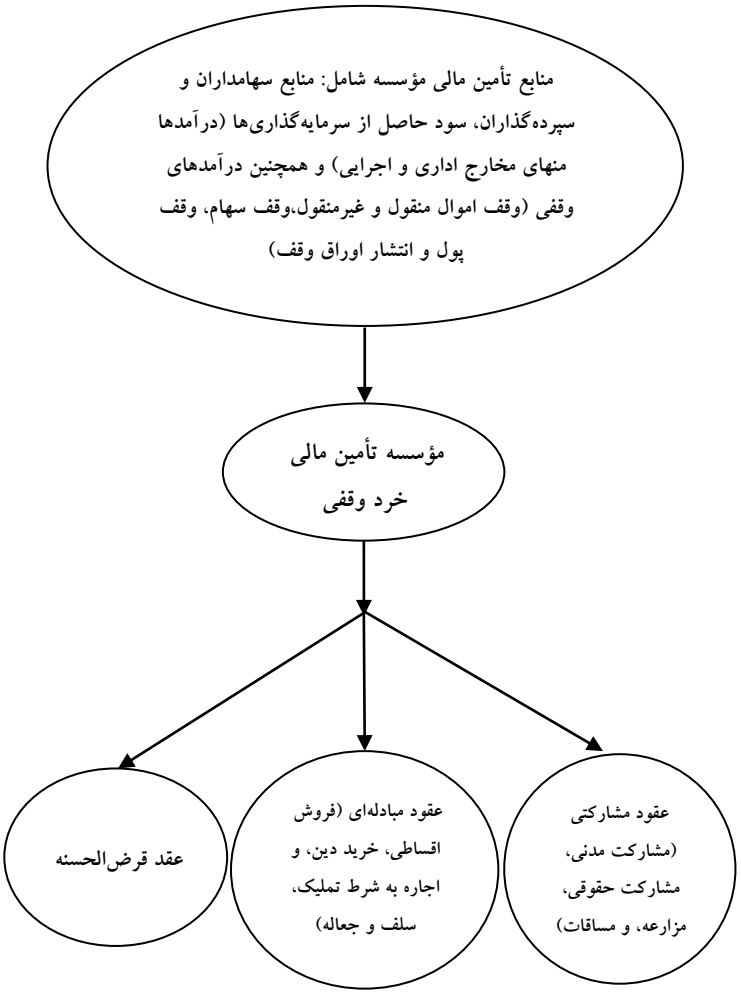

۳-۱- تجهیز منابع

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی (مثلا کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی)

استفاده می‌کنند (حبیب[1]، ۲۰۰۲). اما در مقابل مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی از عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در جذب سپرده‌ها بهره می‌برند. علاوه بر این، می‌توانند از نهادهای اقتصادی اسلام نیز به منظور تأمین منابع خویش بهره ببرند. نهادهایی چون وقف، قرض‌الحسنه، خمس، زکات، انفال، فیء و غیره[2]. در الگوی پیشنهادی این تحقیق، مهم‌ترین منبعی که برای تأمین مالی مؤسسه در نظر گرفته شده است، نهاد وقف است که در چهار صورت (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف) تجلّی می‌یابد. در ذیل به صورت مختصر به بررسی فقهی هر یک از این موارد می‌پردازیم. در هر مورد لازم است چهار شرط فقهی مورد توجه باشد؛ شرایطی که عمومی بوده و لازم است که در هر مال وقفی وجود داشته باشند. این شرایط عبارت‌اند از: عین بودن، مالکیّت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض (شهید اول، ۱٤۱۱ق، ص ۸۷؛ محقق حلی، ۱٤۰۳ق، ص ۲۳).

الف- وقف اموال

یکی از منابع تجهیز برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، دریافت و استفاده از اموال منقول و غیرمنقولی است که دارای چهار ویژگی فوق‌الذّکر بوده و توسط افراد خیّر به منظور کمک به فقرا وقف می‌شود. در واقع مؤسسه، به عنوان متولّی[3]، اموال مذکور را بر اساس صیغه وقف از واقفان دریافت کرده و متعهّد می‌شود تا این اموال را تنها در جهت حل مشکلات فقرا به مصرف برساند. لازم به ذکر است با توجه به ماهیّت تأمین مالی خرد و اهدافی که در جهت کمک به گروه‌های پایین درآمدی و حل مشکل فقر در جامعه دارد، مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی تنها می‌تواند با آن

1. Habib

۲. لازم به ذکر است که هر یک از این موارد در فقه شیعی دارای ضوابط مشخص و متفاوتی می‌باشد که لازم است مؤسسه تأمین مالی خرد به آن توجه داشته باشد.

۳. بر اساس ضوابط فقهی، ارکان وقف عبارتند از واقف، موقوف علیهم، مال موقوف (عین موقوفه) و متولّی. وقف‌کننده را واقف و کسانی که وقف برای استفاده آن‌ها صورت می‌پذیرد را موقوف‌علیهم و مورد وقف را عین موقوفه گویند. به کسی که اداره امور موقوفه را بر عهده می‌گیرد نیز متولّی وقف گفته می‌شود. واقف می‌تواند از منافع موقوفه، سهمی را به عنوان اجرت یا حق‌التّولیه برای متولی معین نماید و اگر معین نکرده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است (امام خمینی، ۱٤۰۳، ج۱، ص۵۷۲).

دسته از واقفان همکاری کند که به منظور حل مشکل فقر، اموال خود را وقف می‌کنند. از این‌رو واقفانی که اهداف دیگری مانند ساختن و یا کمک به مساجد، تعمیر پل‌ها و معابر، احداث و تجهیز قبرستان‌ها و غیره، دارند، نمی‌توانند با مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی همکاری کنند. البته همان‌طور که در بخش قبل دیدیم، به لحاظ تاریخی اکثر موقوفات با هدف رفع فقر انجام می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است که مؤسسه مذکور این امکان را برای واقفان فراهم می‌آورد که یا اموال خود را به صورت عام وقف فقرا کنند و یا وقف گروه‌های خاصّی از فقرا نمایند (به عنوان نمونه دانشجویان فقیر)؛ که در صورت دوم، مؤسسه به عنوان متولّی وقف، متعهد است که منافع حاصل از این اموال را فقط در جهت همان گروه‌های تعیین‌شده به مصرف برساند. علاوه بر این، مؤسسه این امکان را برای واقف فراهم می‌آورد که بین ارایه وام‌های مصرفی و یا تولیدی به فقرا انتخاب نماید؛ چرا که همان طور که در بخش بعد خواهیم دید، در مؤسسه مذکور هر دو نوع وام پرداخت می‌شود.

ب- وقف سهام

در خصوص سهام شرکت‌ها و امکان‌پذیر بودن وقف آن، می‌توان ادّعا کرد که از چهار شرط عین بودن، مالکیّت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض، موارد دوم و سوم، در مورد سهام بدون هیچ تردیدی وجود دارد. در واقع سهام، در تملّک دارنده آن قرار داشته (شرط دوم) و امکان بهره‌مندی از منافع آن همراه با باقی ماندن عین، فراهم است (شرط سوم). اما در رابطه با قابلیت قبض و اقباض نیز می‌توان گفت هم به لحاظ عرف و هم به لحاظ قانون (مواد ۳۹ و ٤٠ قانون تجارت)، امکان قبض و اقباض برگه سهام وجود دارد. تنها موردی که در رابطه با سهام می‌تواند محل اختلاف باشد مورد اول یعنی عین بودن است. عین به لحاظ فقهی در مقابل سه موضوع قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از دِیْن، مال مبهم و منفعت (صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ١٤).در این رابطه نیز برخی تحقیقات به درستی نشان داده‌اند که با توجه به اینکه منظور از سهام برگه یا ورق سهام نبوده و حصّه یا بخشی از مال شرکت است که بر اساس برگه در اختیار فرد قرار می‌گیرد، و لذا شرط عین بودن نیز در مورد سهام برقرار می‌باشد (مصباحی‌مقدم و شکری، ١٣٨٦، ص ١٦).

بنابر آنچه مطرح شد به نظر می‌رسد وقف سهام نیز بتواند به عنوان منبع دیگری برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیّران سهام شرکت‌ها و مؤسساتی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و مؤسسه را متولّی مصرف منافع قرار می‌دهند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا سهام خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود.

ج- وقف پول

اما در رابطه با وقف پول، به نظر می‌رسد از چهار شرط مذکور موارد مالکیّت واقف و وجود امکان اقباض در مورد پول نیز به لحاظ عرفی کاملا قابل تصوّر باشد. اما در رابطه با دو شرط عین بودن و قابلیت بقاء همراه با انتفاع، برخی از محققین به درستی مسأله بقاء مالیّت را در مورد پول مطرح کرده‌اند. در واقع در این دیدگاه، دو نوع حبس در وقف قابل تصوّر است. یکی حبس عین مال، که مخصوص عروض (کالاها) می‌باشد و دیگری حبس مالیّت مال، که مخصوص نقود می‌باشد. بنابراین در وقف عروض، بقای رقبه مال (عین مال) با وجود انتفاع، شرط است؛ ولی در وقف نقود، بقای مالیّت مال با وجود انتفاع، شرط می‌باشد (دادگر و سعادت‌فر، ۱۳۸٦، ص ۱٦؛ مصباحی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۳). بنابراین وقف پول نیز می‌تواند به عنوان منبع دیگری برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیّران وجوهی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و مؤسسه را متولّی استفاده از مصرف منافع قرار می‌دهند. مؤسسه از این وجوه به منظور ارایه وام‌های مصرفی و تولیدی به فقرا استفاده می‌کند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود.

د- انتشار اوراق وقف

یکی دیگر از راه‌های تجهیز منابع مالی برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی انتشار اوراق وقف است. این دسته از اوراق، در گروه اوراق اسلامی غیرانتفاعی (صکوک غیرسرمایه‌گذاری) قرار می‌گیرند. دارندگان اوراق وقف افرادی هستند که به هر دلیلی تمایل به وقف نمودن دارایی خاص

با مبالغ اندک دارند (سروش، ۱۳۸۷، ص ۵). همان‌طور که در شکل شماره دو ملاحظه می‌شود، در انتشار این اوراق مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی به عنوان بانی عمل می‌کند. در واقع مؤسسه با تأسیس یک نهاد واسط اقدام به انتشار اوراق وقف نموده و وجوه بدست آمده را در اختیار می‌گیرد. در این نوع اوراق بانی موظّف است وجوه بدست آمده را بر اساس امیدنامه (وقف‌نامه) منتشره هنگام فروش اوراق، صرف نماید. در اینجا نیز لازم است واقفان تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم باشد.

نمودار شماره (۲): فرآیند انتشار اوراق وقف

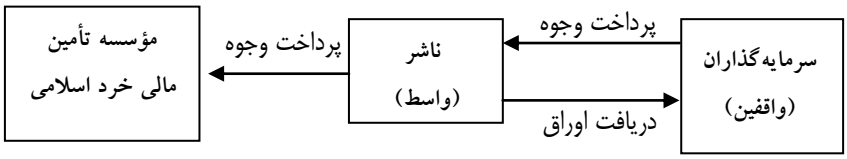

۳-۲- تخصیص منابع

همان‌طور که ذکر شد تخصیص منابع در مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، به طور عمده بر اساس عقد قرض و دریافت بهره (ربا) انجام می‌شود. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارایه تأمین مالی خرد اسلامی از عقود مختلفی که در نظام مالی اسلام وجود دارد استفاده شود. عقود مذکور (که در بانک‌های اسلامی نیز به منظور ارایه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد) را می‌توان در چهار گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که عبارت‌اند از عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت، عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیّر، و عقد قرض‌الحسنه. سه مورد اول مخصوص وام‌های تولیدی بوده و مورد آخر مربوط به وام‌های مصرفی می‌باشد. در ذیل به بیان هر یک از این موارد می‌پردازیم (موسویان، ۱۳۸۳، صص ۱٦٦-۱۷۵):

عقود مشارکتی: در این عقود مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت و بر اساس

قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌گردد. این عقود در نظام بانکداری بدون ربا[1] عبارت‌اند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه، و مساقات.

عقود با بازدهی ثابت: در این دسته از عقود نیز مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند؛ با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود مؤسسه معلوم و معین است. بنابراین تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارت‌اند از: فروش اقساطی، خرید دین، و اجاره به شرط تملیک.

- عقود با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد. بلکه حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ نداده و بلکه متحمل ضرر نیز گردد[2]. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

---

۱. لازم است توجه شود که در این مقاله الگوی تأمین مالی خرد اسلامی در چارچوب مدل بانکداری بدون ربای شیعی و ایرانی (قانون بانکداری بدون ربا) طرح می‌شود. اما می‌دانیم که این الگو تنها الگوی این نوع بانکداری نیست. بلکه میان الگوهای مختلف بر اساس اختلافات فقهی که بین مذاهب اسلامی وجود دارد، تفاوت‌های دیده می‌شود. مثلا در حالی که طبق فقه اهل تسنّن عقد مضاربه عقدی موسّع و عام می‌باشد، بر اساس فقه شیعه و قانون عملیات بانکی ایران، مضاربه تنها در بخش تخصیص منابع آن هم برای بخش بازرگانی کاربرد دارد. در واقع در این الگو مضاربه عقدی مضیّق است (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۷). به هر حال می‌توان مباحث مطرح شده در این مقاله را در قالب دیگر الگوهای بانکداری اسلامی نیز بررسی کرد. واضح است که انجام این کار تغییر اساسی در تحلیل‌های انجام شده، ایجاد نمی‌کند.

۲. لازم به ذکر است معمولاً در عمل، بازدهی این عقود با اتخاذ تمهیداتی ثابت می‌گردد و در واقع مشابه عقود گروه دوم می‌گردند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). با توجه به این مطلب، می‌توان گروه دوم و سوم را عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت در نظر گرفت.

– قرض‌الحسنه: در این عقد مؤسسه مالی منابعی که در اختیار دارد را بر اساس عقد قرض‌الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و یا خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند.

٤- مزایای تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی، مزایایی اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته باشد. در واقع اگر مؤسسه تأمین مالی خرد در سمت بدهی (تجهیز منابع) از ابزارها (عقود) و نهادهای اسلامی بهره برده و در سمت دارایی (تخصیص منابع) نیز از ابزارهای اسلامی استفاده کند، ویژگی‌های مثبتی ایجاد می‌کند که در این قسمت به بررسی آن‌ها می‌پردازیم[1].

الف– حل چالش کمبود منابع مالی

همان‌طور که برخی تحقیقات به خوبی نشان داده‌اند یکی از مشکلاتی که مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند، مسأله تأمین نقدینگی می‌باشد. به این معنی که این دسته از مؤسسات معمولاً با کمبود منابع مواجه می‌باشند. به عنوان نمونه احمد (۲۰۰۲) در تحقیق خود بر روی تعدادی از مؤسسات تأمین مالی خرد بنگلادش نشان می‌دهد که کمبود منابع مالی یکی از محدودیت‌های اصلی پیش‌روی رشد و فعالیت این دسته از مؤسسات به حساب می‌آید. این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌هایی که در الگوی پیشنهادی در این تحقیق وجود دارد، آن است که اجرای صحیح این الگو منجر به ایجاد منابع قابل توجهی برای مؤسسه تأمین مالی خرد می‌شود. در واقع در این الگو منابع خرد و کلان واقفان چه به صورت کالا و اموال منقول و غیرمنقول و چه به صورت وجوه نقد و سهام جمع‌آوری شده و به عنوان منبعی برای مؤسسه تأمین مالی خرد به حساب می‌آید.

---

۱. لازم است توجه شود که مزایای مطرح شده در این بخش، مختص الگوی پیشنهادی بوده و در سایر الگوها موجود نمی‌باشد. بنابراین به منظور جلوگیری از اطاله کلام از بیان مزیت‌های عمومی تأمین مالی خرد مانند حل مشکل وثیقه با استفاده از وام‌دهی گروهی خودداری شده است.

ب- مدیریت صحیح و کارآمدسازی استفاده از منابع وقفی

یکی از چالش‌هایی که نظام وقف در کشور ما و اکثر کشورها با آن مواجه است مسأله عدم استفاده صحیح و کارآمد از منابع وقفی است. در واقع همان‌طور که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند، میزان درآمدی که از حجم عظیم وقف بدست می‌آید بسیار ناچیز بوده و وظایف اقتصادی که وقف در گذشته در جوامع اسلامی انجام می‌داد، امروزه دیگر وجود ندارد (مصباحی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵). این در حالی است که در الگوی پیشنهادی ویژگی‌های مشخصی وجود دارد که منجر به افزایش کارایی استفاده از منابع وقفی می‌شود. در واقع به دلیل وجود بازده به مقیاس[1] برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، امکان انجام فعالیت‌هایی برای مؤسسه ممکن می‌شود که برای واقفان فردی و سنتی چنین مزایایی به هیچ وجه فراهم نیست. به عنوان نمونه تمییز بین فقرای واقعی و افرادی که در واقع فقیر نیستند و یا بین فقرای تولیدی و مصرفی، ایجاد گروه‌های تولیدی از فقرا و ارایه وام به صورت گروهی، نظارت بر استفاده بهینه از منابع وقفی، ارزیابی پروژه‌های مختلفی که توسط گروه‌های خرد ارایه می‌شود و انتخاب کارآمدترین آن‌ها، نظارت دائمی بر وام‌های مصرفی و تولیدی و غیره.

ج- جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد و مشارکت افراد بیشتری در سنت حسنه وقف

در حال حاضر برای افراد دارای دارایی‌های خرد نمی‌صرفد که اموال خود را وقف کنند. چرا که در این صورت لازم است فرد واقف برای مطمئن شدن از تأمین اهدافی که از وقف دارد، متولّی تعیین کند. اما با توجه به خرد بودن وقف، درآمد حاصل از آن به اندازه‌ای نیست که تأمین دستمزد متولّی را بنماید. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی، مؤسسه به عنوان متولّی رایگان برای تمامی وجوه خرد عمل کرده و لذا اموال و وجوه خرد نیز می‌توانند در سنت حسنه وقف مشارکت کنند.

د- افزایش کارایی اقتصادی

کارایی به معنی تولید بیشتر با نهاده کمتر است و کارایی تخصیصی که در اینجا مورد توجه است، به معنی تخصیص منابع جامعه به‌گونه‌ای است که تولید کل حداکثر گردد. این امر زمانی

1. Return to scale

برقرار می‌شود که در کل اقتصاد بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری در تمامی صنایع برابر باشد. نتیجه این حالت نسبتا ایده‌آل، آن است که سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که حداکثر بازدهی (سوددهی) را داشته باشد (الجرحی[1]، ۲۰۰۲). اما در شرایطی که مؤسسه تأمین مالی خرد از عقد قرض در تأمین مالی گروه استفاده کند، در رابطه با بازپرداخت وام‌پرداختی (و نه الزاما موفقیت طرح اقتصادی) نگرانی دارد. این نگرانی‌ها زمانی به بهترین نحو مرتفع می‌شود که اعضای گروه قبل از دریافت وام، به منظور مواجه شدن با تعهدات پرداختی که از این وام به وجود می‌آید، منابع کافی در اختیار داشته و به موفقیت طرحی که برای تأمین مالی‌اش وام دریافت کرده‌اند، وابستگی نداشته باشند. به همین دلیل است که شایستگی اعتباری[2] اعضای گروه اولین موردی است که تأمین مالی کننده در نظام متعارف در نظر می‌گیرد. البته داشتن پیش‌بینی موفقیت و ایجاد سود توسط اعضا نیز بسیار مهم است؛ ولی این شاخصه رتبه دوم از مواردی که تأمین‌مالی‌کننده در نظر می‌گیرد را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی به دلیل آنکه مؤسسه منابع تولیدی خود را بر اساس عقود اسلامی ارایه می‌کند، در رابطه با موفقیت پروژه‌ها نگرانی دارد. از اینرو اولین و مهمترین مولفه‌ای که مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی به منظور اعطای وام به طرح‌های گوناگون (که از طرف گروه‌های مختلف ارایه شده است) در نظر می‌گیرد، پیش‌بینی موفقیت و سوددهی طرح می‌باشد و شایستگی اعتباری اعضای گروه در رتبه دوم قرار می‌گیرد (صدیقی، ۲۰۰٤، ص ۱۰۳).

ه- تخصیص بهینه منابع و تقویت اشتغال

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از وام‌های مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی وام‌های تولیدی بوده و در این دسته از وام‌ها طرح‌های کسب و کار پیشنهادی توسط گروه‌ها مورد ارزیابی دقیق قرارمی‌گیرد، منابع وقفی به صورت بهینه به بهترین و سودده‌ترین پروژه‌ها اختصاص می‌یابد. همچنین این وام‌های تولیدی منجر به اشتغال فقرا گردیده و این خود در بلندمدت آثار قابل توجهی اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. در واقع در این الگو از ظرفیت تولیدی فقرا در جهت ایجاد اشتغال استفاده می‌شود.

1. Al-Jarhi
2. Creditworthiness

و- توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی

همان‌طور که تحقیقات تأمین مالی خرد نشان می‌دهند، معمولاً مؤسسات تأمین مالی خرد به گروه‌های ضعیف‌ترِ فقرا (فقیرترین فقرا[1]) توجهی نمی‌کنند (نورالزمان[2]، ۱۹۹۷؛ چادهری[3]، ۱۹۹۹؛ کرانشاوی[4]، ۲۰۰۷). معمولاً توجیهی نیز که در این رابطه ارایه می‌شود آن است که: «ارایه تأمین مالی خرد به گروه‌های به شدت فقیر نه تنها باعث نجات آن‌ها نمی‌شود، بلکه به علت عدم توانایی در بازپرداخت، باعث می‌شود هر چه بیشتر مدیون گردیده و در آینده فقیرتر گردند» (بادراکس و کن[5]، ۲۰۰۸، ص ۱۸۹). اما در الگوی پیشنهادی بخشی از وام‌ها (وام‌های مصرفی) بر اساس عقد قرض‌الحسنه به فقیرترین فقرا ارایه می‌شود.

ز- کاهش چالش خطر اخلاقی[6]

منظور از خطر اخلاقی آن است که وجود یک قرارداد میان دو طرف، ممکن است باعث تغییر رفتار هر دو یا یکی از آن‌ها گردد. در واقع چالش خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت می‌باشد و آن هنگامی است که وام‌گیرنده به انگیزهٔ کسب سود بیشتر، سود یا زیان فعالیت اقتصادی را به‌طور صحیح گزارش ندهد (فاروق، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد در الگوی پیشنهادی چنین مشکلی وجود نداشته باشد. دلیل این امر آن است که در وام‌های تولیدی که مسأله خطر اخلاقی در آن قابل تصوّر است، نماینده مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل به عنوان ناظر و مشاور طرح‌های اقتصادی حضور داشته و از میزان سود و زیان طرح اقتصادی آگاه است و لذا چالش خطر اخلاقی کمرنگ می‌گردد.

1. The poorest of the poor
2. Nuruzzaman
3. Chowdhury
4. Karanshawy
5. Boudreaux and Cowen
6. Moral hazard

ح- اطلاعات نامتقارن[1]

نامتقارن بودن اطلاعات، هنگامی به وجود می‌آید که وام‌گیرنده در مواجهه با وام‌دهنده، تمایل به افشای کامل اطلاعات در مورد هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از طرح یا فعالیت اقتصادی نداشته باشند (کارا[2]، ۱۹۹۹، ص ۱۰۱). به نظر می‌رسد چالشِ اطلاعات نامتقارن که یکی از دلایل عدم استقبال بانک‌های اسلامی از عقود مشارکتی است، در الگوی پیشنهادی کمرنگ گردد. دلیل این امر آن است که در این الگو مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل بر اجرای صحیح پروژه‌ها در وام‌های تولیدی که ارایه می‌کند نظارت دارد و این از چالش اطلاعات نامتقارن می‌کاهد.

ط- احتمال پایین‌تر انحراف وام‌های تولیدی

یکی از مشکلاتی که مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند آن است که به دلیل آنکه افراد وام خود را بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره دریافت می‌کنند، امکان آن وجود دارد که این وجوه در حوزه تولید وارد نشده و صرف مصارف فرد گردد. اما در الگوی پیشنهادی و در حوزه وام‌های تولیدی، رابطه مشخصی بین بخش واقعی و پولی برقرار گردیده و حتماً کالا جابجا می‌شود. به عبارت دیگر استفاده از عقود اسلامی منجر به کاهش مشکل انحراف وام‌ها می‌گردد. چرا که در اکثر موارد عقود اسلامی بر روی کالای واقعی انجام شده و این کالا (و نه پول نقد) به کارفرما تحویل می‌گردد (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

ی- خصوصی بودن و کوچک‌سازی دولت

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی خصوصی بودن آن است. در واقع نهاد وقف در تاریخ اقتصادی اسلام، نهادی خصوصی بوده که در راستای اهداف اجتماعی و دولتی حرکت می‌کند. این خصلت یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی است که باعث کاهش وظیفه تصدّی‌گری (بنگاه‌داری) دولت اسلامی در حوزه رفع فقر می‌گردد؛ مسأله‌ای که بدون شک یکی از مهمترین وظایف دولت در اسلام است.

1. Asymmetric information
2. Kara

۵- نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

واقعیت آن است که نظام بانکداری اسلامی در ایران و در سطح جهان، بر حل مشکلات فقهی و اجرایی خود متمرکز شده و از اهداف اجتماعی، انسانی و اسلامی مانند عدالت، کاهش نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی، و رفع فقر دور شده است. تجربه تأمین مالی خرد متعارف می‌تواند با انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز در نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و به بانک‌های اسلامی در جهت انجام وظایف اجتماعی که دارند کمک کند.

این تحقیق الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می‌توانند به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت‌های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی- اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارایه شده در این تحقیق می‌تواند درس‌های مناسبی برای بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه در کشور به همراه داشته باشد.

توصیه سیاستی این تحقیق که بر اساس تحلیل نظری انجام شده، آن است که نهادهای فعال در حوزه وقف در کشور، مانند سازمان اوقاف و امور خیریّه، با همکاری سازمان اقتصاد اسلامی که وظیفه مدیریت نظام قرض‌الحسنه در کشور را بر عهده دارد و همچنین بانک مرکزی، در جهت اصلاح نظام وقف در کشور و تشکیل صندوق‌های تأمین مالی خرد وقفی تلاش کنند. علاوه بر این می‌توان نظام قرض‌الحسنه را به نحوی بازطراحی کرد که صندوق‌های قرض‌الحسنه به مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی تبدیل شده و علاوه بر وام‌های مصرفی به ارایه وام‌های خرد تولیدی به صورت گروهی نیز اقدام کنند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود ابتدا الگوی اجرایی، قانونی و آیین‌نامه‌های تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی و یا تبدیل مؤسسات قرض‌الحسنه به مؤسسات تأمین مالی خرد ارایه شود، و پس از آن و با انجام اقدامات فرهنگی توسط رسانه‌های

گروهی و همچنین در نظر گرفتن مشوّق‌های مالیاتی و غیره، زمینه‌های لازم برای تبدیل شدن اختیاری مؤسسات قرض‌الحسنه فعلی به مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی فراهم شود. لازم به ذکر است ضرورتی وجود ندارد که صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که تازه به مؤسسات تأمین مالی خرد تبدیل می‌شوند، بخش عمده‌ای از منابع خود را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند؛ بلکه در کوتاه مدت می‌توانند تنها بخش کوچکی از منابع را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند و اگر این تجربه موفق بود به تدریج این نسبت را افزایش دهند.

می‌توان مباحث مطرح شده در این تحقیق را در حوزه‌های مختلف توسعه داده و زمینه‌های کاربردی شدن هرچه بیشتر الگوی مطرح شده را فراهم کرد. به طور مشخص، تحقیقات آینده می‌توانند در جهت پاسخگویی به سؤالات ذیل حرکت کنند:

۱- انواع ریسک‌هایی که مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی با آن مواجه می‌باشد کدام است؟ الگوی مدیریت ریسک مناسب برای مؤسسه کدام است؟

۲- در الگوی پیشنهادی، انواع ذخیره‌هایی که لازم است مؤسسه به منظور مواجهه با چالش‌های پیشنهادی (به عنوان نمونه مسأله تورم) نگه دارد کدام است؟

۳- الگوی اجرایی بهینه برای تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی کدام است؟ رابطه بهینه این نهاد با سازمان اقتصاد اسلامی، مؤسسات قرض‌الحسنه، بانک قرض‌الحسنه، بانک‌های اسلامی، سازمان اوقاف و بانک مرکزی کدام است؟

٤- الگوی بهینه در جهت تعیین متولّی و ناظر و تبیین نحوه رابطه این دو کدام است و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۵- الگوی نظارتی بهینه برای فعالیت مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی کدام است و وظیفه چه سازمان‌هایی می‌باشد؟

٦- الگوی بهینه استفاده از موقوفات سنتی (که با هدف رفع فقر انجام شده‌اند) در مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی کدام است؟ چگونه می‌تواند از ساختار مؤسسه در جهت هدایت موقوفات جدید استفاده کرد؟

۷- فرآیند و الگوی بهینه ابدال و استبدال (که در فقه مطرح می‌شود) برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی کدام است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۸- دلایل معتقدان به نقش منفی نهاد وقف در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی (به عنوان نمونه تیمور کوران[1]) کدام است؟ چگونه می‌توان به این انتقادها پاسخ داد؟

1. Timur Kuran

منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی

۱. اشکوری، سید احمد، ۱۳۷۷، «موقوفات امیرالمؤمنین (ع)»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ۸.

۲. بختیاری، صادق(۱۳۸۱)، وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی، وقف، میراث جاویدان، شماره ٤۰-۳۹، سال دهم، پائیز و زمستان .

۳. بختیاری، صادق، ۱۳۸۱، «وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ٤۰.

٤. بختیاری، صادق، ۱۳۸۱، «وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، نشریه وقف: میراث جاویدان، شماره ٤۰.

۵. خمینی، روح الله، ۱٤۰۳، «تحریر الوسیله»، بیروت، دارالانوار.

٦. دادگر، یدالله، سعادت‌فر، جواد، ۱۳۸٦، «امکان‌سنجی وقف پول»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره اول.

۷. ساعاتی، یحیی محمود(۱۳۷٤) وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قد رضوی ص ۳۵

۸. سروش، ابوذر، ۱۳۸۷، «تأمین مالی وقف با استفاده از اوراق بهادار اسلامی»، چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدّن اسلامی، تهران: انتشارات اسوه.

۹. الشهیدالاول،محمدبن جمالالدینمکیالعاملی،۱٤۱۱ق، اللمعهالدمشقیه، قم،دارالفکر،الأولی

۱۰. صدیقی، محمد نجات الله، ۱۳۸۷، «ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام»، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

۱۱. عیوضلو، حسین و حسین میسمی، ۱۳۸۸، «ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف»، *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ش۳۱.

۱۲. قشقایی، محمد حسین، ۱۳۸۵، «قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات مذاکره، چاپ اول.

۱۳. محقق حلی، جعفربن حسن (۱٤۰۳ هق)، شرایع الاسلام الحلال والحرام، چ۲، تهران، انتشارات استقلال، ص ٤٤۲.

۱٤. مصباحی مقدم، غلامرضا، سیاح، سجاد، و نادری، محمدمهدی، ۱۳۸۸، «امکان‌سنجی وقف سهام و پول: مدل وقف سهام و پول در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۱۲.

۱۵. مصباحی‌مقدم، غلامرضا و شکری، صابر، ۱۳۸٦، «وقف سهام از منظر فقهی و ارایه الگوی مالی»، فصلنامه پیام مدیریت، شماره ۲۱.

۱٦. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۳، *«بانکداری اسلامی»*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۱۷. نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۷ ق)، «جواهرالکلام»، ج ٦، تهران: انتشارات دارالکتب‌الاسلامیهٔ.

ب- منابع انگلیسی

18. Al-Jarhi, Mabid Ali, (2002), "Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option", Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.

19. Chapra, M. Umer, (1985), „'Towards a just Monetory System, The Islamic Foundation, Leicester.

20. Chowdhury, F. (1999). *"Let grassroots speak: People's participation, self help groups and NGOs in Bangladesh"*. Dhaka: University Press Limited.

21. Habib, A. (2002). "Financing microenterprises: An analytical study of Islamic microfinance institutions". *Islamic Economic Studies*, 9(2), 27–62.

22. Habib, A. (2007). "Waqf-Based Microfinance: Realizing The Social Role of Islamic banking", Paper presented in the International Seminar on integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, March 6-7, 2007.

23. Hassan, K. and Alamgir D. (2002). *"Microfinancial Services and Poverty Alleviation in Bangladesh: A Comparative Analysis of Secular and Islamic NGOs"*, in Islamic Economic Institutions and the elimination of Poverty, ed. Munawar Iqbal, 113-86. Leicester: The Islamic Foundation.

24. Kaleem, A. and Ahmed, S. (2009). "The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions*", Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly,* 9, 4-15.

25. Karanshawy, H. (2007, April 17-19). Finance Plus: A model for the activation of microfinance and medium finance. Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.

26. Khan, M. Fahim (1997), "Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice," Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.

27. Mannan, M. A. (2007). "Alternative micro-credit models in Bangladesh: A comparative analysis between Grameen Bank and Social Investment Bank Limited: Myths and realities". Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.

28. Nuruzzaman, M. (1997). *"Bangladesh in the web of creeping colonialism of NGOs"*. Dhaka: The Center for Bangladesh Studies.

29. Sadeq, A. M. (2007). "Microfinance poverty alleviation and economic development: Theory and practice". Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.